





دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی ، گروه علوم تربیتی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد ( M.A )

گرایش فلسفه آموزش و پرورش

عنوان :

بررسی مبانی انسان شناختی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)

استاد راهنما :

دکتر گل بابا سعیدی

استاد مشاور :

دکتر شهرزاد شاوردی

پژوهشگر :

نرجس سلحشور

زمستان ۱۳۸۹

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس بیکران مخصوص پروردگار جهانیان پدید آورنده زمین و آسمان که تاج کرامت بر سر نوع انسان نهاد و او را از سایر مخلوقات ممتاز نمود. در اینجا به مضمون آیه (من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق) بر خود لازم می دانم با یاد و سپاس از اساتید بزرگوار که مرا در طی دوره نگارش این پایان نامه با رهنمود های خودشان مرا در انجام این اثر مشوق و حامی بوده اند به ویژه از آقای دکتر گل بابا سعیدی استاد راهنمایم و سرکار خانم دکتر شهرزاد شاوردی استاد مشاورم و همچنین از سرکار خانم دکتر فهیمه انصاریان که زحمت داوری این پایان نامه را به عهده گرفتند، تشکر و سپاسگزاری نمایم.

## بسمه تعالی

### تعهد نامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب **نرجس سلحشور** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۰۸۰۲۰۰ در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت اسلامی که در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان: **بررسی مبانی انسان شناختی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)** با کسب نمره ۱۸/۵۰ و درجه عالی دفاع نموده ام بدین وسیله متعهد می شوم:

۱. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.
۲. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
۳. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
۴. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

## بسمه‌تعالی

در تاریخ ۱۳۸۹/۱۱/۳۰  
دانشجوی کارشناسی ارشد **خاتم نرجس سلحشور** از پایان نامه خود  
دفاع نموده و با نمره ۱۸/۵۰ بحروف **هجده پنجاه صدم** و با درجه  
**عالی** مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

### فصل اول: کلیات پژوهش

۲	مقدمه
۳	بیان مساله
۴	ضرورت تحقیق
۸	اهداف پژوهش
۸	سوالهای پژوهش
۹	روش تحقیق
۱۰	تعاریف و اصطلاحات

### فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش

۱۴	مقدمه
۱۵	بخش اول: مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع)
۱۵	۱-۱ ماهیت انسان
۱۵	۱-۱-۱ تمایل به بدی
۲۹	۱-۱-۲ معیار نیت است نه عمل
۳۷	۲-۱ روابط انسان از دیدگاه نهج‌البلاغه
۳۷	۱-۲-۱ تنهایی انسان
۵۳	۳-۱ مطلوبهای روانشناختی از دیدگاه نهج‌البلاغه
۵۳	۱-۳-۱ آرامش روانی
۵۷	۲-۳-۱ آزیستن در حال
۶۷	۴-۱ مطلوبهای اخلاقی از دیدگاه نهج‌البلاغه
۶۷	۱-۴-۱ تسلیم
۶۸	۲-۴-۱ نظام نشانه‌ای دیدن جهان
۸۲	۳-۴-۱ اجتناب از تعصب، پیشداوری، جزم و جمود

- ۹۲ ..... ۵-۱ معنای زندگی از دیدگاه نهج البلاغه
- ۹۲ ..... ۱-۵-۱ تحمل درد و رنجهای اجتناب‌ناپذیر زندگی
- ۱۰۲ ..... ۱-۵-۲ دوستی
- ۱۰۳ ..... ۱-۵-۲-۱ انواع دوستی
- ۱۱۰ ..... مقایسه‌ی آرای علمای تعلیم و تربیت و امام علی (ع)
- ۱۱۳ ..... بخش دوم: پیشینه‌ی پژوهش

### فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش

- ۱۱۷ ..... مقدمه
- ۱۱۷ ..... جامعه و نمونه‌ی پژوهش
- ۱۱۸ ..... روش جمع‌آوری اطلاعات
- ۱۱۸ ..... ابزار جمع‌آوری اطلاعات
- ۱۲۰ ..... روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

- ۱۲۲ ..... مقدمه
- ۱۲۳ ..... پاسخ به پرسشهای تحقیق
- ۱۲۳ ..... ماهیت انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟
- ۱۲۴ ..... روابط انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟
- ۱۲۶ ..... مطلوبهای روانشناختی انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟
- ۱۲۷ ..... مطلوبهای اخلاقی انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟
- ۱۳۰ ..... معنای زندگی از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

### فصل پنجم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات

- ۱۳۶ ..... مقدمه
- ۱۴۰ ..... ۱-مباحث نظری
- ۱۴۴ ..... ۲-مباحث عملی
- ۱۵۰ ..... پیشنهادات
- ۱۵۱ ..... محدودیتهای پژوهش

۱۵۱	محدودیت‌های در اختیار پژوهشگر
۱۵۳	محدودیت‌های خارج از اختیار پژوهشگر
۱۵۳	استفاده‌ی عملی از نتایج پایان نامه
۱۵۵	نمودار
۱۵۶	منابع و مآخذ



## چکیده

این پایان نامه در نظر دارد از منظر انسانشناسی نهج البلاغه نقبی به تعلیم و تربیت نهج البلاغه بزند به این معنا که تعلیم تربیت مبتنی بر دو بحث مهم انسانشناسی است: وضع موجود انسان وضع مطلوب است. تعلیم و تربیت موفق تعلیم و تربیتی است که تصویر مطابق با واقع ای از وضع موجود انسان و همچنین تصور روشنی از وضع مطلوب انسان داشته باشد.

حال نقش تعلیم و تربیت چیست؟ به نظر برخی از فلاسفه، تعلیم و تربیت ابزار و وسیله ای است که انسان را از وضع موجود به وضع مطلوب می رساند. با توجه به این مبانی نظری ای که اتخاذ کردیم وضع موجود انسان از منظر نهج البلاغه دارای سه مولفه ی اساسی است: الف) انسان طوری ساخته شده است که بالطبع تمایل به بدی دارد و با کراهت خوبی را انجام می دهد. ب) انسان موجودی تنهاست، و تنهایی یک ویژگی اجتناب ناپذیر انسان است و تنهایی به این معنا که آثار و نتایج افعال آدمی فقط بر دوش خود اوست نه بر دوش دیگری ج) نیت آدمی است که خوبی و بدی افعال آدمی را تعیین می کند. یعنی همان نظریه ی فضیلت گرایی در فلسفه ی اخلاق.

وضع مطلوب انسان از منظر نهج البلاغه در یک مولفه ی بسیار مهم خلاصه می شود: عبودیت خدا، این عبودیت خدا اگر به درستی صورت بگیرد، با خود سه مطلوب مهم دیگر به همراه می آورد: الف) مطلوب های روانشناختی: یعنی عبودیت خدا با خود شادی، آرامش، امید به همراه می آورد. ب) مطلوب های اخلاقی: یعنی عبودیت خدا ضامن اخلاقی زیستن ماست، بدون خدا همه چیز مجاز می شود. خداست که تضمینی است برای اخلاقی زیستن ما. ج) مطلوب ارزشمندی زندگی: خدا و بندگی او به زندگی انسان معنا می بخشد، یعنی به زندگی انسان هدف و ارزش می بخشد.

حال تعلیم و تربیت از منظر نهج البلاغه باید انسان را از این وضع موجود به وضع مطلوب برساند. و اینکه این تعلیم و تربیت چگونه باید باشد خود پایان نامه ی دیگری را می طلبد.

# فصل اول

## کلیات پژوهش

## مقدمه

تکیه‌گاه دعوت اسلام امر تربیت است و فلسفه‌ی وجودی انبیای الهی نیز تربیت بشر است. همانگونه که پیامبر اسلام برای تربیت جامعه بسوی اخلاق برانگیخته شد و البته حوزه‌ی اخلاق بسیار گسترده است و تمام مسائل فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد پس لازم است که تربیت از جنبه‌های نظری و عملی مورد بررسی قرار گیرد و در این پژوهش به جنبه‌ی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت و به بررسی آموزه‌های آن بر مبنای نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود.

هدف تعلیم و تربیت در اسلام و نهج‌البلاغه تربیت عموم مردم بر اساس معیارها و اصول اخلاقی است. از این لحاظ درک عمیق مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت و ویژگیهای هر فرد و تطابق اصول تربیتی با این مبانی می‌تواند نتیجه‌ی بهتری را از فرایند کار نصیب ما کند. چون همانطور که علمای تربیتی و روانشناسی گفته‌اند انتخاب روش تربیتی و تعیین اصول تعلیم و تربیت بدون آگاهی از ویژگیها، نیازها، خواسته‌ها و نقاط قوت و ضعف تک تک افراد بی‌نتیجه می‌باشد و از کل فرایند نتیجه‌ی مطلوب حاصل نمی‌شود. چه بسا اگر موارد فوق در طرح کلی و سیاستهای تعلیم و تربیت اعمال نشود، تعلیم و تربیت بی‌نتیجه و گاهی نتیجه‌ی عکس می‌دهد.

برای آگاهی از این موارد و بهتر فهمیدن و درک کردن آنها و تعیین صحیح خط‌مشی‌ها و اصول، بهترین روش انسان‌شناسی است. زیرا این اصول قرار است روی انسانها مورد آزمایش قرار گیرد و نتیجه‌ی تعلیم و تربیت بر روی انسانها مراد است. از این سو سعی بر این است تا با استفاده از روش معناشناختی به تحلیل نهج‌البلاغه بپردازیم و مبانی انسان‌شناسی را از دیدگاه امام علی (ع) بیان کنیم تا متعاقب آن یک وضع مطلوب برای بشر حال حاضر ترسیم کنیم.

## بیان مسئله

عنوان پایان‌نامه «بررسی مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی(ع)» است که عهده‌دار مطالعه و تحقیق در باب «تعلیم و تربیت انسان» است. در این پایان‌نامه تعلیم و تربیت انسان به لحاظ فردی مورد تحقیق قرار می‌گیرد بنابراین «مردم‌شناسی»<sup>۱</sup> یا «قوم‌شناسی»<sup>۲</sup> در حیطه تحقیقات اینجانب نیست. مبانی انسان‌شناسی تعلیم و تربیت متناسب با نوع رویکرد به انسان و روش تحقیق به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. (دورتیه، ژان فرانسوا، ۱۳۸۲، ص ۴۰۱-۲۶۵) انسان‌شناسی بر حسب نوع رویکرد به انسان که بعدی از ابعاد وجودی انسان را مورد تحقیق قرار دهد یا تمامی ابعاد وجودی او را به دو نوع «جزء نگر» و «کل نگر» تقسیم می‌شود. نوع رویکرد به انسان در این تحقیق کلی است که در آن مسائل و مباحث مهمی در باب انسان مانند «ماهیت انسان»، «روابط چهارگانه انسان با خداوند، خود، دیگران و جهان پیرامون» «مطلوبه‌های اخلاقی انسان»، «مطلوبه‌های روان‌شناختی انسان» و «معنای زندگی» مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌گیرند.

انسان‌شناسی به لحاظ روش به انواعی مانند انسان‌شناسی فلسفی، تجربی، دینی، و شهودی (عرفانی) تقسیم می‌شود:

- انسان‌شناسی فلسفی؛ وحدت نهایی و بی‌بدیل و مطلق انسان را می‌کاود و در جست‌وجوی مفهوم و ماهیت و تصور انسان به عنوان ساختاری بنیادین و غیر تاریخی است که از این طریق، توصیف‌های متنوع انسان از خودش را قابل درک می‌گرداند. به عبارت دیگر، انسان‌شناسی فلسفی درصدد است تا کلیت انسان را به روش عقلی مورد مطالعه قرار دهد و با ارائه‌ی تصویری عقلانی، ماهیت آدمی را روشن و آشکار سازد.

- انسان‌شناسی طبیعی (تجربی)؛ با استفاده از یافته‌های تجربی، چه در بُعد دیرینه‌شناسی و چه در بُعد زیست‌شناسی مطالعه و تحقیق می‌کند.

---

1 - anthropology

2 - ethnology

- انسان‌شناسی عرفانی؛ این رویکرد با بهره‌گیری از سیر و سلوک عرفانی در پی کشف معارفی راجع به انسان و جایگاه و مقام و منزلت او در نظام هستی است.

- انسان‌شناسی دینی یا وحیانی؛ این نوع انسان‌شناسی، براساس روش نقلی از متون دینی همچون: قرآن کریم، نهج‌البلاغه و روایات معصومین (ع) به بررسی انسان می‌پردازد. (دنسی، جاناناتان، ۱۳۸۵، ص ۳۳۸-۲۴۳)

انسان‌شناسی مورد نظر در این تحقیق، انسان‌شناسی دینی است که منابع تحقیق در آن متون مقدس و عقل است.

در این برنامه تعلیم و تربیت انسان از نظرگاه امام علی در نهج‌البلاغه مورد شناخت و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ضرورت تحقیق

شاید در نظر بسیاری از اندیشمندانی که به مباحث انسان‌شناسی علاقمندند و به اهمیت و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی بشر آگاهی دارند، سخن گفتن از ضرورت تحقیق در باب انسان تعجب‌انگیز باشد. ضرورت مسئله بسیار بدیهی است و در واقع تبیین آن، تکرار مکررات است. چگونه می‌توان «انسان» یعنی «خود» را شناخت و از آن سوی زندگی فردی و اجتماعی طیبه‌ای را سپری کرد؟ و به سرانجام خوش و سعادت‌مندانانه خود امیدوار بود؟ پاسخ به این پرسشها در نگاه اول روشن و بدیهی است و از نظر هر صاحب‌خردی قطعاً داشتن زندگی طیبه و سعادت واقعی انسان در گرو شناخت حقیقی انسان است؛ لیکن باید قدری مسئله را روش‌تر کرد. به همین منظور مسئله را از ابعاد گوناگونی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### الف) ضرورت شناخت انسان به منظور شناخت واقعیتها و ارزشهای او

انسان از یک سو از نظر وجودی و حیاتی واقعیت‌هایی دارد که باید به درستی شناخته شود و بدون شناخت آنها هیچ کاری نمی‌توان برای انسان کرد؛ همانگونه که یک پزشک بدون شناخت

بدن انسان نمی‌تواند بیماریهای عارض بر او را درمان کند. مسائل مهمی در حیطه‌ی واقعیت‌های انسانی است؛ مانند خاستگاه، تبار و سرشت انسان از جنبه‌هایی مانند تمایز انسان از سایر حیوانات، پیدایش انسان، طبیعت انسان و ...؛ ساحات وجودی آدمی از جنبه‌هایی مانند شماره و ماهیت ساحات وجودی آدمی، ارتباط ساحتهای وجودی ...؛ تفاوت‌های انسانی از جنبه‌هایی مانند جنسیت، سن، وراثت، تعلیم و تربیت، نژاد و رنگ پوست.

علاوه بر واقعیتها، از نظر ارزشی نیز در باب انسان مسائل و موضوعات بسیار مهمی وجود دارد که باید به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرند تا از یک سو مشخص شود که انسان باید به کدام سو حرکت کند و چه انتظاراتی باید از او داشت و از سوی دیگر در اسناد و برنامه‌ریزیهای خرد و کلان که از سوی نهادها و سازمانهای گوناگون برای او می‌شود به آن ارزشها توجه شود. (پاتنم، هیلری، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۶۸)

### ب) تاثیر انسان‌شناسی در پیشگیری و حل مسائل و مشکلات بشر

به طور مسلم بشر دارای مسائل و مشکلات فراوانی است که دائما با آنها دست به گریبان است. اما در عین حال در اینکه مصادیق این مسائل و مشکلات چیست، اتفاق نظری در بین همگان با هر دیدگاه و هدفی وجود ندارد. ممکن است از نظر یک الهیدان چیزی مشکل باشد و زندگی بشر را تهدید کند اما از نظر یک ماتریالیست آن چیز مشکل نباشد و به هیچ وجه خطری برای زندگی بشر نباشد و بالعکس. به همین ترتیب ممکن است از نظر مکاتب گوناگون بشری مصادیق مسائل و مشکلات بشری متفاوت باشد.

این مسائل و مشکلات بشری از کجا ریشه گرفته‌اند و چه چیز یا چیزهایی، و چه کس یا کسانی این مسائل و مشکلات را برای بشر ایجاد کرده‌اند؟ در این پایان نامه برآنیم که ضمن بحث از سرچشمه مسائل و مشکلات بشر ارتباط انسان‌شناسی و تاثیر تعلیم و تربیت صحیح را در پیشگیری و رفع مشکلات بشر بررسی کنیم. (فروم، اریک، ۱۳۸۲، ص ۵۷-۵۱)

مشکلات و مسائل بشر دارای سرچشمه‌های گوناگونی هستند. برخی از جهان پیرامون او نشأت می‌گیرند، برخی از خود او، و برخی به طرز نگرش او به بیرون از خود مربوط می‌شوند. بشر در سیر تاریخی و جریان تکاملی خویش توانسته بر بسیاری از مشکلاتی که از جهان پیرامون او نشأت می‌گیرند فائق آید و روز به روز بر دامنه‌ی تسلط وی بر آنها افزوده می‌شود؛ اما هرچه می‌گذرد بر مشکلاتی که از خود او و نوع نگرش او به بیرون از خود است افزوده می‌شود. این مشکلات همان‌هایی هستند که موجب سرگردانی، اضطراب، ترس، ناامیدی، بی‌معنایی، عدم رضایت باطن، غم، افسردگی، آمار روزافزون خودکشی، نابسامانی‌های خانوادگی مانند خیانت و طلاق در بین زوجین و عدم درک متقابل فرزندان و پدر و مادر و صدها مشکل دیگر برای بشر شده‌اند. (همان، ص ۶۸)

**ج) تاثیر بنیادی انسان‌شناسی در بهبود وضعیت نهادهای اجتماعی و تدوین و ارزیابی**

#### **برنامه‌های توسعه**

بهبود نهادهای مهم اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، خانواده، حقوق، اقتصاد و سیاست زمانی محقق می‌شود که شناخت کافی از انسان وجود داشته باشد. البته در این برنامه امکان بررسی ارتباط انسان‌شناسی و نقش آن در همه‌ی نهادهای اجتماعی وجود ندارد. لیکن به علت اهمیت بنیادین **نهاد تعلیم و تربیت** و نیز نقش بسیار حیاتی آن در بهبود وضع دیگر نهادهای اجتماعی، در این پایان‌نامه تاثیر انسان‌شناسی بر نهاد تعلیم و تربیت بررسی خواهد شد. زیرا نهاد تعلیم و تربیت از آن جهت که تربیت‌کننده‌ی نیروی انسانی آینده‌ی کشور در همه‌ی زمینه‌هاست، با بهبود وضع این نهاد می‌توان امیدوار بود که در همه‌ی نهادهای اجتماعی تغییر و پیشرفت اساسی ایجاد شود. چون تمامی برنامه‌ریزیها، قراردادها، قوانین، نهادها، مؤسسات و مراکز گوناگون در هر کشوری برای رفع مشکلات و مسائل انسان و بهبود وضع زندگی اوست. همه از انسان است برای انسان؛ اما آیا می‌توان بدون آنکه شناختی از انسان داشت برای او کاری کرد و برنامه‌ای تنظیم نمود؟ واقعیت آنست که همانگونه که استفاده‌ی یک دستگاه کوچک و ساده‌ی ساخت بشر منوط

به رجوع به کاتالوگ آن دستگاه و شناخت آن است، انسان‌شناسی نیز مانند کاتالوگی است برای شناخت انسان، شناخت واقعیتهای موجود و حاکم بر او و شناخت ارزشهای او.

هدف از اسناد برنامه‌ای و توسعه‌ای در هر کشور بهبود وضعیت زندگی مردم آن کشور در سطح ملی و بین‌المللی است. موفقیت در تهیه و تدوین این اسناد و هر برنامه‌ریزی دیگری منوط به در نظر گرفتن واقعیتهای موجود انسانی و اهداف ارزشی کلانی است که برای انسان در نظر گرفته می‌شود چون پیش‌فرض اصلی در تدوین این اسناد و برنامه‌ها آن است که انسان موضوع و هدف اصلی از این برنامه‌هاست نه موجود دیگری، بنابراین هر عملی که برای بهبود وضعیت او در حوزه‌ها و محدوده‌های خاص و متنوعی انجام می‌شود باید با در نظر گرفتن این واقعیت باشد که انسان دارای واقعیتهای و ارزشهایی است و عدم توجه به آنها موجب تأثیرات منفی در کیفیت زندگی او خواهد شد یا لاقلاً همه‌ی هزینه‌های انسانی و مادی که صرف این برنامه‌ریزیها چه در مرحله تولید و چه در مرحله اجرا شده است هدر خواهد رفت یا موجب ضرر خواهد شد...

#### د) اهمیت شناخت انسان از نظرگاه نهج‌البلاغه

نظر به اهمیت طرح بدیع و نو مساله «انسان‌شناسی اسلامی» در محافل گوناگون جامعه‌ی ایرانی، سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و اسناد خرد زیر مجموعه آن مانند سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی محیط زیست، سند چشم‌انداز بیست ساله سلامت و ...، تدوین الگوی اسلامی - ایرانی توسعه، که همه بر شناخت انسان از دیدگاه اسلام تأکید دارند، اهمیت شناخت انسان از نظرگاه قرآن و نهج‌البلاغه به عنوان منبع اصلی و قطعی و مورد وفاق مذاهب گوناگون اسلامی تردید ناپذیر می‌شود.



## اهداف پژوهش

### الف) هدف اصلی

شناخت وضع موجود انسان و وضع مطلوب انسان

### ب) اهداف فرعی

شناخت ماهیت انسان از نظرگاه نهج البلاغه

شناخت روابط انسان از نظرگاه نهج البلاغه

شناخت مطلوبهای اخلاقی انسان از نظرگاه نهج البلاغه

شناخت مطلوبهای روان‌شناختی انسان از نظرگاه نهج البلاغه

شناخت معنای زندگی انسان از نظرگاه نهج البلاغه

## سوالات پژوهش

ماهیت انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

روابط انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

مطلوبهای اخلاقی انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

مطلوبهای روان‌شناختی انسان از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

معنای زندگی از دیدگاه نهج البلاغه چیست؟

## روش تحقیق

در این تحقیق برای فهم متون از روش معنانشناسی استفاده خواهیم کرد. این روش موفق‌ترین روشی است که در زبان‌شناسی ابداع شده است و در آن کاری می‌شود که خود متن سخن گفته و مفاهیم خود را تعبیر و تفسیر کند، بی‌آنکه از طرف ما تحمیلی بر آن شود. به بیان بهتر در این روش سعی می‌شود دخالت دانسته‌ها، باورها، انتظارات، توقعات، پیش‌داوری‌ها و پیش‌پنداشته‌های قبلی در فهم یک متن به حداقل برسد.

برای بکار بردن این روش باید به دو نکته اساسی توجه کرد: یکی وضع فرهنگی مخاطبان بی‌واسطه‌ی متن، و دیگری روابط درونی اجزای متن

### وضع فرهنگی مخاطبان بی‌واسطه‌ی متن:

از آنجا که هر گوینده یا نویسنده‌ای در گفته‌ها و نوشته‌های خود همیشه به وضع فرهنگی مخاطبان خود نظر می‌کند، فهم گفته‌ها و نوشته‌های هر گوینده یا نویسنده‌ای منوط به فهم فرهنگ مخاطبان بی‌واسطه‌ی آنهاست.

### روابط درونی اجزای متن:

زبان‌شناسان هر لغتی را دارای دو معنای نسبی<sup>۱</sup> و اساسی<sup>۲</sup> می‌دانند. در هر زبانی یک لغت فارغ از اشتراک لفظی یک معنای اساسی دارد که هسته اصلی است. این عنصر معنی‌شناختی ثابت را که هر جا این کلمه به کار برود و هر کس آن را به کار برد پیوسته به آن است، معنی اساسی می‌نامند. مثلاً معنی اساسی کتاب در زبان عربی «نوشته» است. اما وقتی کلمه «کتاب» در گفته‌ای به کار می‌رود حول و حوش آن پوسته‌ی جدیدی نیز به کار می‌رود که عبارت از معنای نسبی آن است. مثلاً وقتی کلمه کتاب، وارد نظام دستگاه تصویری اسلامی شد، ارتباط خاصی با بعضی کلمات مهم قرآنی همچون الله، وحی، تنزیل، نبی، و اهل به معنی مردم

---

1- relative

2- basic

پیدا کرد. از آن پس این کلمه در زمینه قرآنی باید در رابطه و نسبت با این اصطلاحات در نظر گرفته شود و همین ارتباط و اشتراک به کلمه کتاب رنگ معنی شناختی خاصی بخشیده است که بسیار پیچیده است و معنای نسبی کلمه نامیده می‌شود.

استکشاف و فهم معنای نسبی در الفاظ کلیدی یک متن بسیار اهمیت دارد. در این استکشاف فرض بر آن است که معنای اساسی و نسبی الفاظ در یک واحد مقالی ثابت است. (ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۹، ص ۱۶-۷)

### تعاریف و اصطلاحات بکار برده شده در پژوهش

تعلیم و تربیت: واژه‌ی تربیت از ریشه‌ی ربو. در این ریشه معنای زیادت و فزونی اخذ گردیده است. در مشتقات مختلف آن می‌توان این معنی را به نوعی دیگر بازیافت، مثلاً به تپه ربوه گفته میشود زیرا نسبت به سطح زمین برآمده است.

بنابراین واژه‌ی تربیت با توجه به ریشه‌ی آن به معنی فراهم کردن موجبات فزونی و پرورش است. تربیت از ریشه‌ی ربب نیز به معنی تحت سلطه داشتن و اعمال قدرت کردن بر مرتبی است تا بتوان در سایه‌ی آن برنامه‌ی مورد نظر را پیاده کرد.

به سخنی دیگر تربیت به معنای پروراندن و پروردن و آموختن میباشد که در این صورت واژه‌ی تربیت مصدر فعل متعدی است و دلالت دارد بر اینکه تربیت مستلزم آن است که مربی کار کند تا دیگری امری را واجد شود. یعنی تربیت متضمن آن است که انسان واجد رشد و کمالی شود که در حال حاضر فاقد است ولی بالقوه آن را داراست. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج ۱، ص ۳۶۶)

اگر تربیت را عبارت از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که در یک شیء هست دانست، لذا تربیت فقط در مورد جاندارها صادق است یعنی گیاه، حیوان، انسان. تربیت باید تابع و پیرو فطرت باشد یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت آن. اگر بخواهید یک شیء شکوفا

شود و استعدادهایش بروز کند باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در او هست بروز کند اما اگر استعدادی در یک شیء نیست بدیهی است که نمیتوان آن را پرورش داد.

معنای پرورش یعنی نمی‌توان استعدادهای هیچ انسانی را از راه ترساندن و ارعاب و تهدید پرورش داد.

تربیت به معنای به فعلیت رساندن استعداد و به کمال رساندن مستعد کمال است. وقتی تعلیم را با تربیت مقایسه میکنیم به این نتیجه می‌رسیم که تعلیم شاخه‌ای از تربیت است. زیرا تربیت حرکت تکاملی است و معلومات میتواند زمینه‌ای برای انتخاب مفید باشد. اگر آن معلومات کاذب و موهوم باشد، حرکت را از سیر تکاملی منحرف مینماید.

پس بین تعلیم و تربیت یک ارتباط اساسی وجود دارد. خصوصاً در زمینه‌ی علمی که به جهت انسان با آن رابطه پیدا میکند.

اگر تربیت به معنای ساخته شدن انسان در رسیدن به کمال حقیقی خویش باشد پس علمی که انسان را معنی میکند و انسان از طریق آن با حقیقت خود آشنا میشود علوم جهت‌دهنده هستند و اگر در این علوم مغالطه و مجادله‌ای انجام شود، خط و جهت انسانی تا هر زمانی که شخص تحت تاثیر آن علم باشد و اعتقادش به آن علم پابرجا باشد منحرف می‌گردد. (حائری شیرازی، محی‌الدین، ۱۳۸۲، ص ۲۱)

هستی‌شناسی: نام مجموعه‌ای از مسایل عقلی و نظری است که بخشی از فلسفه به اصطلاح عام را تشکیل می‌دهد. چنان‌که امروزه گاهی واژه‌ی فلسفه نیز به آن اختصاص داده شده. گاهی هستی‌شناسی یکی از اصطلاحات جدید فلسفه است. اگر فیزیک را دانشی تعریف کنیم که با حواس پنجگانه در حالت عادی احساس می‌کنیم پس هستی‌شناسی چیزی است که برای دریافت آن باید از حواس برتر بهره جست. آنچه که با فیزیک قابل توجیه نیست. مسائل فلسفه سوال‌هایی است که از آغاز فلسفه تاکنون وجود داشته است و هر فیلسوف با هر مکتب فلسفی پاسخی برای آنها ارائه می‌کند که بعضاً با هم متفاوت هستند. این مسائل به چند دسته‌ی اساسی تقسیم می‌شوند: